



کارگردان دوشقه!

THE KILLER

پس از تماشای «آدمکش» دیوید فینچر یا مخالفش خواهید بود یا موافقش؛ حد وسط ندارد!

قاتل اهلی



سحر غفوری

تاریخ سینما آدمکش ماهر و کاریزماتیک و کاربلد کم نداشته که چنان خودشان را وقف کارشان کرده‌اند و چنان از جان و دل برای سر به نیست کردن یک آدم وقت می‌گذارند که دیگر آن سویه زشت و غیر اخلاقی عمل‌شان به حاشیه می‌رود و تعهد و مهارت‌شان به شکلی رمانتیک همذات‌پنداری توأم با احترام نازک‌دل‌ترین تماشاگران را هم به دست می‌آورد؛ از جف کاستلو «سامورایی» زان پیر ملویل بگیر تا لئون «حرفه‌ای» لوک بسون تا آدمکش بی‌نام «وثیقه» مایکل مان تا گوست داگ جیم جارموش تا آنتون چیگور «جایی برای پیرمردان نیست» برادران کوشن و تا جان ویک جادا استاهلسکی. همه اینها تخصص‌شان گرفتن جان آدم‌هاست، اما مرام و مسلک و وسوسان‌ها و ظریف‌کاری‌ها و اخلاقیات‌شان است که آنها را برای مخاطب قابل درک و حتی دوست‌داشتنی می‌کند.

«آدمکش» ساخته دیوید فینچر هم سعی کرده با خلق شخصیتی که اصول حرفه‌ای و اخلاقی خاص خودش را دارد، به فهرست بلندبالای آدمکش‌های دوست‌داشتنی سینما یکی اضافه کند. شخصیت آدمکش این فیلم با بازی مایکل فاسبندر مثل اغلب آدمکش‌ها کم حرف و دقیق و ماهر است، اما همین انجام مأموریتی که به او واگذار شده، به خطا به جای سوزه مورد نظر که مردی متمول است و به درخواست رقیبی مثل خودش متمول قرار است کشته شود، زنی را می‌کشد. آدمکش شروع می‌کند به پاک کردن ردپاهایش، اما او باید تقاضای اشتباهش را بدهد و وقتی خودش را پیدانمی‌کند، یکی از عزیزانش را تا سرحد مرگ می‌آزارد. عصبانی کردن یک آدمکش حرفه‌ای تبعاتی دارد و آدمکش فینچر عزمش را جزم می‌کند تا کسی را که دستور حذف او را داده پیدا کند.

«آدمکش» اقتباسی از کمیک‌بوکی به همین نام از الکسی منژولن و لوک جاکامون است که زندگی آدمکش بدون نام را که نگاهی اگزستانسیالیستی به کارش دارد پی می‌گیرد. فیلم بدبینی و تلخی منبع اقتباسش را که شخصیت آدمکش را امتیاز می‌کند، ندارد. آدمکش فیلم بیش از اینکه بدبینی، جزئی از شخصیتش باشد، ادای بدبینی یک حرفه‌ای را در می‌آورد. آدمکش فینچر روزش را با قهوه اکسترا باکس و همبرگر مک‌دونالد که نانش را نمی‌خورد، شروع می‌کند، درست مثل هر کسی که صبح باید به سر کار برود. کشتن برای او عملی فارغ از بود، نه اینکه علیه‌اش شورش کرد.

دیوید فینچر ۸ ساله بود که دوربین دست گرفت و با آن شروع به بازی کرد. جورج لوکاس، کارگردان نامدار «جنگ ستارگان»، همسایه آنها بود و دیوید ۱۱ ساله هر روز صبح او را با لباس خواب در حال برداشتن روزنامه‌اش از دم در خانه می‌دید. این ماجرا باعث اسطوره‌زدایی از کارگردانان برای دیوید شد. فینچر در کمیتهای جلوه‌های ویژه لوکاس مشغول به کار شد و در «پند یاتا جونز و معبد مرگ» (۱۹۸۳) و «بازگشت جدای» (۱۹۸۴) همکاری کرد. آنچه از سال‌ها کار کردن در شرکت لوکاس برایش ماند، استادی در ساخت تصاویر کامپیوتری بود.

در دهه بیست زندگی‌اش تبلیغاتی برای شرکت‌های مشهوری چون پیسی، نایکی و لیوایز ساخت و همچنین دو ویدئوموزیک برای سستاره یاب، مورد توجه قرار گرفت. نخستین فیلمش، «بیگانه» (۱۹۹۲) بود که به جای اینکه صرفاً فیلمی ترسناک باشد، می‌خواست ماه‌های فلسفی هم داشته باشد. مداخله‌های استودیو در کار فینچر اصلاً به مذاقش خوش نیامد و تجربه نخستش در سینما با رضایت همراه نبود. «هفت» (۱۹۹۵) بود که شهرت و اعتبار تجاری و انتقادی فینچر را رقم زد؛ فیلمی تیره و تاریک که قتل را

منتقدان درباره «آدمکش» چه گفتند؟

- ❖ **پیتر بردشاو از گاردین:** «آدمکش» ترکیبی است از فیلمنامه‌های فشرده و مؤثر از اندرو کوبن و اگر با نقش آفرینی‌های هوشمندانه‌ای از مایکل فاسبندر و تیلدا سسویینتون و تدوینی هوشمندانه که شما را به خودش جلب می‌کند و می‌توان آن را بارها و بارها تماشا کرد.
- ❖ **لزلی فلیرین از هالیوود ریپورتر:** «آدمکش» از نظر اخلاقی آشفته و در هم است و همین نیز ممکن است برخی از بیننده‌ها را از آن دور کند. این در حالی است که دیگر مخاطبان ممکن است هم از شخصیت و هم از نگرش جنون‌آمیز فیلم لذت ببرند.
- ❖ **رافائلا سیلرزاس از پلی‌لیست:** دیوید فینچر به ندرت اثری کسلسل‌کننده می‌سازد و فیلم «آدمکش» نیز ملامت‌آور نیست اما باید گفت که این اثر جزو برترین آثار وی نیز به شمار نمی‌رود. این فیلم جانی و مهیج با مهارت ساخته شده و در آن به ریزترین جزئیات هم توجهی دقیق شده است. این فیلم سرگرم‌کننده است ولی اندکی معمولی به نظر می‌رسد.
- ❖ **جاناتان رامنی از اسکرین دیلی:** «آدمکش» فیلمی است که به شکلی استادانه ساخته شده است در سرتاسر فیلم، دیوید فینچر توانسته کنترل روشمند خود را ارائه بدهد و این در حالی است که اشکالات در منطق قهرمان داستان و خودشناسی ناقص او را برجسته می‌کند.
- ❖ **جفری مکناب از ایندپندنت:** «آدمکش» همانند شخصیت اصلی‌اش که توجهی بسیار دقیق نسبت به قتل دشمنانش دارد، به جزئیات به شکلی ریز توجه می‌کند. مایکل فاسبندر انتخاب خوبی برای این نقش بوده و توانسته نقش آفرینی متمه‌اندازی ارائه بدهد. اما این انسر اغلب اوقات به قلمروی خود آگاهی ساختگی ورود می‌کند.

